

چشم‌انداز تاریخی تشکیلات فراماسونری در دوره پهلوی دوم

امیر محمدی^۱

چکیده

ریشه تشکیلات ماسونی در ایران به اوایل دوره قاجار بازمی‌گردد. ساختار و ماهیت این تشکیلات با تحولات تاریخی فلسفه سیاسی و حاکمیت گره خورده است. لژهای فراماسونری بعد از شهریور ۱۳۲۰ و کودتای ۲۸ مرداد در ایران پا گرفتند و به حوزه‌های نفوذ پیوستند. تشکیلات ماسونی به‌مثابه قدرت‌های پنهان و در سایه، دارای وابستگی‌ها و کنش‌های مختلفی بوده‌اند. دوره پهلوی دوم عصر تکوین واقعی تشکیلات ماسونی در ایران است. فراماسونری در این دوره ۳۷ ساله دارای ابعاد و زوایای پنهان و متناقضی است که در طول تاریخ مغفول مانده است. هدف از نگارش این مقاله، بررسی، رصد و تبیین تاریخی تشکیلات فراماسونری ایران در عصر پهلوی دوم است که پژوهشگر با روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب مطالعات تاریخی و با تکیه بر اسناد آرشیوی و کتابخانه‌ای درصدد پاسخ‌گویی به ابهامات پژوهش می‌باشد. یافته‌ها بر این است که تشکیلات فراماسونری در طول سه دهه از عمر پهلوی دوم هم به ساختار هویتی مستقل دست یافت و در مقام یکی از مؤلفه‌های قدرت به‌صورت علنی ظاهر شد. این تشکیلات در روابط و کشمکش‌های درباری چه در سطح داخلی و هم به‌عنوان عناصر وابسته قدرت‌های فرامحلی و جهانی دارای کارکردهای متعددی بودند. در این دوره حوزه نفوذ لژهای فراماسونری وسعتی کشوری یافته و کانون‌های وابسته از انفعال خارج شدند و اولیای قدرت مناسبات درون تشکیلاتی را هدفمند و سازمان‌دهی نمودند.

واژه‌های کلیدی: پهلوی، لژهای فراماسونری، تبیین تاریخی، فراماسون.

۱. دکتری تاریخ ایران اسلامی و مدرس گروه تاریخ و مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان

amirmohammadi.abc@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵ نوع مقاله: پژوهشی

The historical perspective of Freemasonry in the second Pahlavi period

Amir Mohammadi¹

Abstract

The roots of Masonic organizations in Iran can be found in the early Qajar period. The structure and nature of these organizations are tied to the historical developments of political philosophy and governance. Freemasonry lodges started in Iran after September 1941 and the August 1953 coup. Masonic organizations, as hidden and shadow powers, have had various affiliations and actions. The second Pahlavi period is the era of real development of Masonic organization in Iran. Freemasonry in this 37- year period has hidden and contradictory dimensions and angles that have been neglected throughout history. The purpose of writing this article is to review, observe and explain the history of Freemasonry in Iran during the second Pahlavi era. The researcher tries to answer the ambiguities of the research with a descriptive-analytical method and in the framework of historical studies and relying on archival and library documents. The findings are that the Freemasonry organization achieved an independent identity structure during the three decades of Pahlavi II's life and appeared publicly as one of the components of power. These organizations had many functions in court relations and conflicts both at the domestic level and as dependent elements of extra-local and global powers. During this period, the sphere of influence of the freemasonry lodges expanded to a national extent and the affiliated centers became inactive and the paternities of power targeted and organized intra-organizational relations.

Keywords: Pahlavi, Masonic lodges, historical explanation, Freemason.

1. PhD in Iranian Islamic History and Lecturer in the History and Social Studies Department of Farhangian University. amirmohammadi.abc@gmail.com

مقدمه

سرگذشت ورود افکار نوین به ایران از تاریخی ویژه و منحصر به فرد برخوردار است. از گشایش اولین تاریخ‌خانه‌ها در لندن تا حضور نمایندگان آن در مشرق زمین، جغرافیای ایران تحت تأثیر این جریان‌ها قرار داشته است. بیشتر مورخان بر آنند که تشکیلات پنهان ماسونی در سده نوزدهم به تدریج در ایران ظاهر شدند و با تأسیس دولت مدرن به دنبال پایگاه‌هایی در این کشور بوده‌اند؛ با این حال سیر تاریخی حضور این تشکیلات متنوع فکری - فرهنگی از اوایل دهه بیست شمسی تا وقوع انقلاب اسلامی، چندان روشن و گویا نیست. هرچند داده‌های کمی فراوانی در این حوزه باقی مانده، ولیکن از سامان و نظام علمی چندان برخوردار نیستند.

نوشته‌ی حاضر قصد دارد با رصد سیر تاریخی، تحولات، تأثیر و تأثرات تشکیلات فراماسونری را در دوره پهلوی دوم مورد بررسی قرار داده و ناگفته‌های این حوزه‌ی مغفول را به نگارش دریاورد. دوره‌ی پهلوی دوم از آن جهت حائز توجه است که در این دوره سی‌وهفت‌ساله، به‌مثابه عصری میانی و دوره‌ای گذار، بسیاری از ساختارهای پنهان قدرت در ایران در مقام ابزار یا کنشگر جدی، فعال شدند و تشکیلات ماسونی نیز در این دوره در ارتباط با حاکمیت درونی و قدرت‌های جهانی در غرب؛ نقش پویا و غیرقابل‌انکاری داشتند، مخصوصاً بعد از کودتای ۲۸ مرداد، این تشکیلات با حفظ چارچوب‌های جهانی خود به سمت مظاهر و مؤلفه‌های فرهنگی بومی و ایرانی پیش رفتند، و یارگیری آنها به اوج خود رسید. عصر پهلوی‌ها و به‌ویژه پهلوی دوم را می‌باید عصر رشد قارچ‌گونه فراماسونری در ایران دانست. در این دوره، اندیشه فراماسونری، به شکل بسیار نظام‌مند و هدفدار به کار خود ادامه داد، به گونه‌ای که در رأس حکومت می‌شد فراماسون‌های زیادی را دید. محمدعلی فروغی مشهور به «ذکاءالملک» که نخست‌وزیر رضاشاه و اولین نخست‌وزیر محمدرضا شاه بود، خود از فراماسون‌های نامی آن دوران به شمار می‌رفت. هرچند افراد سرشناس خانواده پهلوی دست کم به‌طور رسمی عضو هیچ‌کدام از فراماسونری نبودند ولی بسیاری از رجال سیاسی، نخست‌وزیران، وزیران، نمایندگان مجلسین و فعالان سیاسی از فراماسون‌های معروف بودند.

سابقه‌ی پژوهش

پژوهش درباره فراماسونری از پیچیدگی خاصی برخوردار است، چرا که سرّی بودن این جمعیت‌ها و ارتباط اعضای آن با سیاست ایران و دول بزرگ و عضویت بسیاری از رجال و سیاستمداران مشهور ایران در این گروه‌ها نیز مسئله را دشوار کرده است. تحقیقاتی نظیر آثار رائین به‌رغم تمام کاستی‌ها و تمامی ملاحظاتی که درمورد آن وجود دارد دربردارنده‌ی اسناد مهمی است که بررسی آنها می‌تواند راهگشای تحقیق درباره این موضوع باشد.

کتاب و مقالاتی در این باب در سه دهه گذشته انتشار یافته که بیشتر آنها در فضای انقلابی و گفتمانی سر برآورده‌اند؛ با این حال آنچه قابل توجه بوده، عدم انتشار اسناد مراکز اطلاعاتی و مجامع پنهانی مؤثر در وقایع از جمله اسناد مربوط به انقلاب مشروطه از سوی دولت انگلستان و یا اسناد روابط غرب با پهلوی دوم از سوی دولت آمریکا مخصوصاً در کودتای ۲۸ مرداد و تحولات بعد از آن است که می‌تواند پژوهش‌های حوزه فراماسونری را ارتقاء و غنا ببخشد.

پژوهش‌های دانشگاهی مانند پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «نقش فراماسونری در ظهور و تحکیم رژیم پهلوی» در دانشگاه امام صادق (ع) که در فصل چهارم آن به نفوذ ماسون‌ها در کنفرانس تهران، نهضت ملی‌شدن نفت، پیمان بغداد، انقلاب سفید و قضیه کاپیتولاسیون و نقش فراماسون‌ها در آنها پرداخته است، محل تأمل می‌باشد؛ هرچند که در این پژوهش بیشتر سیر گاهشماری توصیفی مدنظر قرار گرفته تا تحلیل چندجانبه این امر تاریخی (حقیقت، ۱۳۷۳: فصل چهارم).

محمداسماعیل شیخانی در گفتاری با عنوان «بازی شاه با مهره‌های شطرنج فراماسونری» که در نگاه اینترنتی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی منتشر شده به نقش شاه در تقویت سخت‌افزاری تشکیلات فراماسونری پرداخته و از فعالیت نوماسون‌های یهودی در ایران پرده برمی‌دارد. او بر آن است که در واقع سیاست اصلی محمدرضاشاه در این شطرنج این بود که وی با این مداخله و حمایت، قصد داشت تا جناح وابسته به شریف‌امامی را در مقابل جناح قدیمی حسین علاء که دیگر فراماسون قهار دوره پهلوی دوم بود تقویت کند (شیخانی، ۱۴۰۰: ۲۴).

مصطفی الماسی در گفتاری با عنوان «بررسی نقش فراماسونری در عصر قاجار و پهلوی اول در عرصه بین‌الملل از منظر حقوقی و سیاسی» معتقد است که ضرورت‌های ساختاری و برخورد ایران با دنیای غرب دروازه‌های ایران را به روی تشکیلات فراماسونری گشود. وی سعی دارد در این گفتار به نقش حقوقی این تشکیلات در ایران قاجار و پهلوی اول بپردازد (الماسی، ۱۴۰۱: ۶۷-۵۲).

نویسنده کتاب «فراماسونها، روتارین‌ها و لاینزهای ایران» با رویکردی متفاوت بر آن است که اصحاب فراموش‌خانه بر نهضت‌های عدالت‌خواهانه و مشروطه در ایران تأثیر جدی داشته‌اند و مدعی است که با تغییر حکومت و استقرار دولت آزادی‌خواه مبتنی بر اصول و شیوه‌های حکومتی غربی، اندیشه فراماسونری نیز از روند انقلابی‌گری به محافظه‌کاری تغییر پیدا می‌کند (حقانی، ۱۳۷۷: ۳۳۶-۳۲۹).

در تاریخ‌نگاری معاصر ایران مسئله حساس و شایان توجهی همچون فراماسونری که رابطه غیرقابل‌انکاری با تحولات تاریخ معاصر ایران دارد، ناآگاهانه و در مواردی آگاهانه مورد بی‌توجهی قرار گرفته و از کنار آن به سادگی عبور شده است. این امر نه تنها در بررسی تحولات بلکه در شرح حال‌نویسی معاصر نیز مورد غفلت واقع شده است. این بی‌توجهی در بعضی از مطالعات تاریخی با صراحت قید شده است، چنانکه حقانی در گفتاری مبسوط که روزنامه کیهان در ۲۴ خرداد ۱۳۸۶ منتشر کرد به دلایل این بی‌توجهی پرداخته و در این باره این‌گونه نوشته است: «معتقد است که در کنار ضعف منابع و اسناد، فقدان یک مفهوم روشن از فراماسونری در بین افراد جامعه و حتی مجامع علمی و دانشگاهی از تبعات دیگر این بی‌توجهی است که منجر به کلی‌گویی، ساده‌انگاری و بزرگ‌نمایی در اظهارات و مکتوبات شده است. عده‌ای فراماسونری را سازمانی پیچیده و مخوف توصیف می‌کنند و در ذکر مصادیق آن به کلی‌گویی می‌پردازند و یا دچار بزرگنمایی و افراط می‌شوند، عده‌ای اصل تشکیلات فراماسونری را مثبت تلقی می‌کنند و تمامی عیوب را به افراد و اعضا نسبت می‌دهند، عده‌ای نیز راه افراط می‌پیمایند و عیب افراد را نیز مختص به ایرانیان می‌دانند. این آشفتگی بیانگر فقدان یک تحلیل جامع و صحیح از مبانی فراماسونری و تکاپوی سیاسی-اجتماعی آن در ایران است» (فقیه حقانی، ۱۳۸۶: ۱۰).

بعد از آنکه در سال ۱۷۳۵ م، نخستین لژ فراماسونری در کلکته هند، بنیان نهاده شد و این مکان، محلی جهت ترویج فراماسونری در آسیا و به‌ویژه ایران گردید، برخی از ایرانیان که به هند می‌رفتند، در این لژها راه می‌یافتند و در بازگشت به ایران، بیشتر در فارس و اصفهان، زمینه پخش و پراکندن اندیشه‌های ماسونی را آن‌هم بیشتر در میان گروهی معین از مردم فراهم می‌کردند. گروهی دیگر از ایرانیان که برای بازرگانی، به خاک عثمانی و مصر می‌رفتند، در آن اماکن، با فراماسون‌های فرانسوی آشنا می‌شدند و در قاهره و استانبول، با آموزش‌هایی که به آنها می‌دادند، به ایران بازمی‌گشتند و آوازه‌گر فراماسونری می‌شدند. در روسیه نیز افرادی مانند میرزا فتحعلی آخوندوف که از ایرانیان مقیم آن دیار بود، برپا کردن انجمن‌های ماسونی را چاره‌دردهای ایران می‌پنداشت (حائری، ۱۳۶۸: ۵۴). در ایران، به‌جای فراماسونری، اصطلاح مجمع فراموشان، خانه فراموشان، فراموش‌خانه، مجمع فرامیسان و کارخانه و به‌جای فراماسون، فرامیسن و فرامیسن به کار رفته است (شاه‌آبادی، ۱۳۷۸: ۶۱).

ظهیرالدوله را شاید از جمله اشخاصی بدانیم که از پیش‌قدمان و متقدمین حوزه تشکیلات روشنگرانه، تجدد و مساوات باشد. او سعی داشت افکار طبقه حکمای ایرانی قرن چهارم (اخوان‌الصفاء) و عقاید صوفیان را باهم درآمیخته و با وارد کردن فراماسون‌های ایرانی در انجمن اخوت پایه نویی برای توسعه فراماسونری بریزد (ظهیرالدوله، ۱۳۳۹: ۵۵۱).

دوره‌های تکوین و تکامل فراماسونری در ایران، از نظر نویسندگان کتاب «فراماسونرها، روتارین‌ها و لاینزهای ایران»:

- ۱- دوره قاجار و مشروطه که فراماسونری واکنشی بود در برابر وضعیت حاکم بر ایران و شکست از روسیه که در این دوره اکثریت ماسون‌ها از روشنفکران و نخبگان جامعه بودند؛ وابستگی آنها به سایر قدرت‌های غربی چنان مشخص نیست.
- ۲- دوره دوم دوره تکاپوی فراماسونری در ایران عصر رضاشاه تا ۱۳۳۲ ش، می‌باشد که نویسنده از آن به‌عنوان دوران فترت یاد کرده است و معتقد است که لژهای ماسونی در این دوره رونقی نداشته و ایرانیان حق عضویت در لژها را نداشتند (مراسان، ۱۳۷۷: ۲۲).

۳- دوره سوم دوره‌ی تکاپوی فراماسونری می‌باشد که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش، تا انقلاب ۱۳۵۷ ش، ادامه دارد؛ در این دوره بزرگ‌ترین لژهای فراماسونری غرب در ایران فعال بودند، سه مادر لژ اروپایی به نام‌های لژ گراند اوریان فرانسه، لژ بزرگ لندن و اسکاتلند انگلستان (لژ بیداری متحده انگلستان)، اتحادیه بزرگ لژهای آلمانی.

فعالیت فراماسونری بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش، و بخصوص پس از خاتمه‌ی جنگ جهانی دوم با موافقت دستگاه حاکمه ایران شروع شد. شاید موافقت شاه با تأسیس لژهای فراماسونری به این علت بود که تصور می‌کرد تأسیس لژهای فراماسونری در ایران ممکن است سدی را در مقابل حزب توده و دخالت کشور شوراها (شوروی) در امور داخلی ایران به وجود بیاورد. از طرف دیگر با تأسیس تشکیلات فراماسونری با این امید موافقت شد که فراماسونری در همه کشورهای سلطنتی طرفدار و تقویت‌کننده رژیم سلطنتی بوده است؛ هرچند این تفکر به‌زعم بسیاری از مورخان فراماسونری اشتباه بوده و حتی کسانی چون «علاءالدین روحانی» معتقدند که شاه بعدها از این رأی برگشت و از تشکیلات و لژهای انگلستان و فرانسه ناراضی بود و دستور داد تا راین کتاب سه جلدی را در مذمت ماسون‌ها بنویسد (روحانی، ۱۹۸۴: ۴۴).

اربابان قدرت در تشکیلات فراماسونری

در عصر پهلوی دوم، ساختارهای ماسونی به‌صورت علنی ظاهر شده و نقش تشکیلاتی آنها با کانون‌های قدرت، از جمله دربار گره خورد، تا جایی که خود محمدرضا شاه در انتصابات اعلامی این تشکیلات دخالت نمود. شاه در جریان انتخاب استاد اعظم لژهای بزرگ ایران، که باید زیر نظر استادان ارجمند تشکیلات ماسونی انتخاب می‌شد، دخالت مستقیم نمود و شریف امامی برای این امر در نظر گرفته شد. به‌طور کلی در حوادث بعد از شهریور ۱۳۲۰/۱۹۴۱ م، فقط پنج رئیس‌الوزرا فراماسون نبودند که اینان عبارت بودند: از عبدالحسین هژیر، علی رزم‌آرا، زاهدی، علم و دکتر امینی (راین، ۱۳۵۷/۱/۲۲). البته درباره نقش و نفوذ نخست‌وزیران دوره پهلوی در ساختارهای فراماسونی

منابع تاریخی شواهدی را ارائه می‌کنند که پرداختن به آنها محل بحث است؛ از جمله به نفوذ دکتر مصدق در این تشکیلات اشاره می‌کنند (عاقلی، ۱۳۶۷: ۱۶۰).

شاید دلیل اینکه در انتخاب استاد اعظم از بین سه نفر کاندیدای لژهای فراماسونری شاه با انتخاب مهندس شریف‌امامی موافقت کرد این بود که فعالیت و گسترش فراماسونری بی‌اطلاع و موافقت دستگاه حاکمه مقدور نبود. بسیاری از مورخان این دوره از جمله امیر نجات، کتیرایی و ابراهیم صادقی‌نیا، نویسنده کتاب «فراماسونری و جمعیت‌های سری در ایران» به شخصی به نام «ارنست پرون» اشاره می‌کنند. پرون خدمتکاری بود که در آکادمی «له روزه» در زمان تحصیل محمدرضا به کار مشغول شد. وی که دارای معلومات بسیار بالایی در ادبیات و فلسفه بود به سرعت مورد توجه ولیعهد ایران قرار گرفت و با وی به ایران آمد (نجات، ۱۳۸۹: ۵۰۹؛ صادقی‌نیا، ۱۳۷۷: ۴۳). هرچند رضاشاه مخالف حضور وی در دربار ایران بود و وی را جاسوس می‌دانست ولی دوستی او با ولیعهد وی را به دربار ایران راه داد. پرون از بنیان‌گذاران لژ پهلوی بود که به گفته فردوست با اجازه محمدرضا پهلوی تأسیس شده بود (فردوست، ۱۳۷۱: ۲۴۶).

نفوذ بی‌حد و حصر فراماسونری در ایران، تنها در حصار نفوذ پادشاه و نخست‌وزیر مملکت محصور نماند، بلکه سایر ارکان کشور نیز به تبعیت از پادشاه خود، به گسترش این تفکر و تشکیلات دامن می‌زدند. حتی در مجلس نیز بیشتر نمایندگان مجلس و رؤسای کمیسیون‌های وقت و ریاست مجلس، از بین فراماسون‌ها انتخاب شدند. سند مورخ ۱۳۴۸/۷/۱۲ ساواک، مؤید این مدعا است: «در انتخابات داخلی سال گذشته مجلس شورای ملی، عملاً همه فراماسون‌های وابسته به گروه اکثریت، مقامات هیئت‌رئیس و هیئت‌رئیس کمیسیون‌ها را حائز گردیدند که این موضوع در میان نمایندگان غیرفراماسونی اثر فوق‌العاده بدی به‌جای گذارده و اکنون نیز گفته می‌شود که در انتخابات سال جاری نیز همه مقامات مذکور را در درجه اول، نمایندگان وابسته به فراماسون‌ها اشغال خواهند نمود. ضمناً اسامی نمایندگان فراماسونری به شرح زیر معروض و در رأس آنها عبدالله ریاضی، رئیس مجلس شورای ملی قرار گرفته و مدت دو سال است که به گروه فراماسونری شریف‌امامی رئیس مجلس سنا پیوسته است» (فردوست، ۱۳۷۱: ۴۱۱).

غیر از مجلس، هیئت‌وزیران را نیز باید معرکه‌ای جهت جولان دادن فراماسونرها دانست، به‌ویژه آنکه در کابینه‌ی دوم شریف‌امامی در تابستان ۱۳۵۷ ش.، حدود هفت وزیر کابینه‌ی وی از اعضای رسمی فراماسونری به شمار می‌آمدند. نفوذ و حضور ماسون‌ها و تصاحب مناصب مهم مملکتی در دوره پهلوی بسیار گسترده بود، چنان‌که در سال ۱۳۵۱ ش.، هشت نفر از اعضای مجلس سنا که در رأس آنها شریف‌امامی قرار داشت، پنجاه و چهار نفر از وکلای مجلس شورای ملی، بیست و چهار نفر از اعضای وزارت خارجه اعم از وزیر (عباس خلعتبری) و سفرا و مدیران کل، عضو لژهای فراماسونری و لژ بزرگ ایران بودند (مپس، ش ۱۷-۲۲۴۱۷).

رئین در جلد سوم کتابش به معرفی ۸۵۰ نفر از فراماسون‌های زنده ایران در عصر پهلوی دوم پرداخته و معتقد است که این افراد شاید روش‌ها و فعالیت‌هایشان متفاوت و یا نوع وابستگی‌شان به لژهای جهانی مختلف باشد، لیک از لحاظ مبانی محتوایی و کارکردهای بلندمدت، جملگی در یک راستا بوده و همگی در حفظ اسرار محرمانه و کوشش در مخفی نگه‌داشتن اسناد و مدارک، و چگونگی فعالیت سازمان‌های خویش و به‌خصوص اسامی و مشخصات افراد و اعضای لژها، اتفاق‌نظر دارند و همه حتی با وجود ارائه سند و مدرک، عضویت خود را در سازمان‌های فراماسونری تکذیب می‌کرده‌اند (رئین، ۱۳۵۷: ۳/۴۳۷).

حزب رستاخیز که در ۱۱ اسفند سال ۱۳۵۳ ش.، تأسیس شد و تنها حزب رسمی در اواخر دوران پهلوی شناخته می‌شد، کاملاً تحت تأثیر جریان‌های ماسونی بود. کریم زهتاب‌فرد، مدیر هیئت اجرایی موقت حزب رستاخیز، عضو لژ جمعیت یاران و باشگاه لاینز بوده است. روزنامه آیندگان در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۱۷ اسامی ۵۵ عضو هیئت اجرایی موقت حزب رستاخیز ملت ایران را معرفی نمود که اهم برجستگان این هیئت شامل: لیلی امیرارجمند، جمشید آموزگار، مهناز افخمی، منوچهر آزمون، مصطفی الموتی، حسین تجدد، محمدرضا حریری، رحیم زهتاب‌فرد، احمد قریشی، رضا قطبی، مهدی قاسمی، منوچهر گنجی، قاسم لاجوردی، داریوش همایون، محمد معتضد باهری، جواد منصور، فرهنگ مهر، قاسم معتمدی، نصرالله مقتدر مژده‌ی، هوشنگ نهاوندی، پرویز ناتل خانلری و ناصر یگانه بودند و از اعضای ۵۵ نفره اولین هیئت اجرایی موقت حزب رستاخیز، حداقل ۲۶ نفر سابقه عضویت در لژهای فراماسونری و یا باشگاه‌ها روتاری و لاینز را داشتند (آیندگان، ۱۳۵۴: ۸).

وضعیت تشکیلات و لژهای فراماسونری

فراماسونری در ایران کاملاً تحت امر و متأثر از ساختار مادر لژهای غربی بود. این تشکیلات با سازمان و نظام سلسله‌مراتبی خود در ایران فعالیت می‌کرد. پس از انحلال لژ پهلوی در سال ۱۳۳۴ ش.، نزدیک به ۴۲ لژ در ایران تشکیل یافت که از جمله آنها، لژ روشنایی در ایران بود. از روزی که نخستین ایرانی در پاریس وارد سازمان فراماسونری شد، تا این دوره (پهلوی دوم)، تمامی افراد و سازمان‌های این فرقه در پرده خفا باقی مانده بودند، و هیچ‌کس از افراد و اعمال آنها اطلاعی پیدا نکرده بود و خود ماسون‌ها نیز از معرفی خود امتناع داشتند. در این دوره برای اولین بار رهبر قدیمی ماسون‌های تهران به صورت علنی و بدون ترس در جراید و مطبوعات خود را معرفی نمود. او در روز یکشنبه ۵ آبان ماه ۱۳۳۶ ش.، در روزنامه اطلاعات، اعلان درگذشت پسر خود را با علامت فراماسون‌ها و کلمه (G) بدین شرح منتشر کرد: «به‌مناسبت شهادت یگانه فرزند ناکام بیست و هفت ساله‌ام، در اثر تصادف با کامیون پیسی کولا در راه خرمشهر برای قبول تسلیت برادران خود در روز سه‌شنبه هفتم آبان ماه از ساعت چهار الی هشت بعدازظهر در منزل آماده می‌باشم. رهبر ماسون‌های قدیمی ایران محمدخلیل جواهری» (جواهری، ۱۳۳۶: شماره ۹۴۴۸).

اسماعیل رائین به نقل از محمدخلیل جواهری می‌نویسد: «شهریور ۱۳۲۰ ش. / ۱۹۴۱ م. و زمامداری مرحوم فروغی به من فرصتی داد تا بار دیگر درباره امکان فعالیت فراماسونری در ایران مطالعه کنم. از این رو چند ماه بعد از زمامداری مرحوم فروغی، روزی آن مرحوم را ملاقات نمودم و با وی درباره فعالیت لژ گفت‌وگو کردم. فروغی ضمن ابراز خوشوقتی از افکارم گفت که از دو ماه قبل اعضای لژ بیداری ایران مجدداً شروع به فعالیت کرده‌اند و من هم می‌توانم با آن کار کنم»، او (محمدخلیل جواهری) که درجه مافوق ۳۳ را در تشکیلات ماسونی کسب کرده بود، خود را معرفی کرده و در اتاق پذیرائی خانه‌اش نیز پیرابند و عکس‌های خویش را در لباس ماسونی به معرض تماشا گذاشت (رائین، ۱۳۵۷: ۳/۷).

در سال ۱۳۲۹ ش (۱۹۵۰ م) یکی از ماسون‌های معروف مصری به‌نام «حنا بوراشد» به تهران آمد و بعد از مطالعه کامل اوضاع اجتماعی ایران و ملاقات با عده‌ای از ماسون‌های قدیمی تصمیم گرفت

موافقت خود را با تأسیس لژ جدید اعلام کند. خبر ورود این مقام عالی ماسونی با شدت و حدتی تمام در نشریه تهران مصور بازتاب یافت (دهقان، ۱۳۲۹: شماره ۳۹۵).

بعد از بازگشت این شخص نماینده دیگری (خلیل ابوالخود) با در دست داشتن اعتبارنامه و دستور صریح استاد اعظم لژ «المحفل الاکبر المثالی العالمی» به تهران آمد و در نیمه دوم سال ۱۹۵۱ م- (۱۳۳۰ ش) در هتل گیلان شش نفر از افرادی سرشناس را به عضویت لژ درآورد. او بعد از بازگشت به مصر اجازه تأسیس لژ شرق ۱ و ۴۵ را برای ایرانیان گرفت و فرمان تشکیل لژ در روز ۲۴ نوامبر ۱۹۵۱ که مطابق با سال فراماسنی ۵۹۵۱ و سال ۱۳۳۰ شمسی بود صادر و به امضاء رسید؛ چون نام لژ مورد اعتراض واقع گردید، با اجازه‌ی استاد اعظم قاهره نام آن به «همایون» تغییر یافت و محمدخلیل جواهری به‌عنوان رئیس در این اجازه‌نامه قید شد (رائین، ۱۳۵۷، ۳/۱۴).

یکی از بزرگ‌ترین موفقیت‌های لژ همایون، شناسایی این لژ به‌وسیله لژهای وابسته به گرانداوریان در سراسر جهان بود. این شناسایی در سال ۱۹۴۵ م، صورت گرفت و از طرف همه گراندلژهای وابسته به گرانداوریان نامه‌ها و تلگراف‌های تهنیت‌آمیز برای لژ و استاد اعظم آن رسید و ژنرال «مونیر» دبیرکل گراند لژ «گراند اوریان» برای اینکه اهمیت بیشتری به لژهای ایرانی بدهد در تاریخ ۱۹ فوریه ۱۹۵۴ (اول اسفند ۱۳۳۲ ش.)، دعوت‌نامه‌ای رسمی را برای لژ همایون ایران فرستاد. سازمان فراماسونری لژ همایون برای اولین بار در ایران به پیروی از لژهای جهانی به اعضای آموزش‌دیده خود دیپلم اعطا می‌کرد و این مجوز زمانی داده می‌شد که عضو موردنظر به یکی از درجات (شاگرد، رفیق و استاد) دست می‌یافت؛ این دیپلم با تأیید مؤسسين لژ و مافوق‌های خارجی آن مهر می‌گردید (رائین، ۱۳۵۷: ۴۰-۶۴/۳). در بولتن فراماسونری و تشکیلات آن در سال ۱۳۴۸ ش.، به مهم‌ترین لژهای فعال فراماسونری در ایران اشاره شده است:

الف) لژهای وابسته به لژ بزرگ اسکاتلند (انگلستان): لژ اعظم ناحیه ایران (ل.ا.ن.ا) که پس از افزایش لژهای وابسته به گراندلژ اسکاتلند و مسافرت لرد پروس (استاد بزرگ لژ اسکاتلند) در سال ۱۳۴۴ ش.، به ایران، موضوع تشکیل لژ اعظم ناحیه ایران مورد تصویب مقامات گراندلژ اسکاتلند واقع گردید و این گراند لژ وظیفه داشت بر تمام لژهای وابسته به گراندلژ اسکاتلند در ایران نظارت کند. همچنین لژ لایت (روشنایی) ایران که محل تشکیل جلسات آن کلیسای مسیحیان واقع در

خیابان قوام‌السلطنه تهران بود. این اولین لژ فراماسونری با اجازه انگلیس در ایران بود که می‌توان آن را قدیمی‌ترین لژ دانست. این لژ در واقع از آن نظامیان انگلیسی بود و به نام «روشنایی شیراز» (Light in Shiraz)، معروف شد. این لژ به‌موجب فرمان گرانند لژ اسکاتلند در روز بیستم فوریه (۱۳۳۷ ه.ش)، در شهر شیراز به‌وسیله افسران و گروه‌بانیان ارتش مستعمراتی انگلیس تشکیل شد و راین آن را از اهداف استعماری بریتانیا دانسته است. لژهای تهران، کوروش، خیام، آریا، ژاندارک، نور و لژهای اهواز و اصفهان نیز وابسته به ماسون بریتانیا بودند.

ب) لژهای وابسته به گرانند اوریان (شرق اعظم) فرانسه که شامل لژ بزرگ ناحیه ایران، لژ مولوی، لژ سعدی، لژ کسری، لژ مزدا، لژ فروغی، لژ فرانس، لژ شمس تبریزی و لژ حافظ بودند.

پ) لژ ایران چاپیتر شماره ۴۱۰ وابسته به فراماسونری آمریکا، اولین جلسه‌ی این لژ در سال ۱۹۶۲ م، در محل کلوپ آمریکاییان تشکیل گردیده و به‌موجب دستور مقامات امنیت سفارت آمریکا، اعضای این لژ از شرکت در لژهای فرانسوی، آلمانی و انگلیسی محروم بودند.

ت) لژهای وابسته به گرانند لژ آلمان: لژهای فراماسونری وابسته به گرانند لژ آلمان که به علت رعایت حداکثر احتیاطات حفاظتی آنها را لژهای بسته می‌نامیدند، شامل: لژ ستاره سحر با مسئولیت جعفر شریف‌امامی، لژ ناهید و لژ تابنده بودند.

ث) لژهای مستقل ایران: (مهر، آفتاب، صفا و وفا)، این لژها در بدو امر به گرانند لژ آلمان وابستگی داشته و بعد از رایزنی شریف‌امامی با گرانند لژ آلمان، کماکان وابستگی خود را به آن حفظ کرده و در نتیجه به این دلیل که موافقت‌نامه مذکور برخلاف قوانین فراماسونری جهانی تشخیص داده شد، لذا لژهای چهارگانه فوق از نظر مقررات ماسونی غیرقانونی اعلام و به لژهای غیرمنظم مشهور گردیدند. به‌طوری‌که علاوه بر قطع ارتباطات معمولی و حذف نام این چهار لژ از اساسنامه‌های فراماسونی جهانی، ملاقات‌های خصوصی ماسون‌های جهانی نیز با اعضای لژهای چهارگانه قطع گردید (فصلنامه ۱۵ خرداد، ۱۳۷۷: ۷۶-۷۲).

در تاریخ دهم اردیبهشت ۱۳۴۸ ش.، شورای عالی «آیین اسکاتی کهن پذیرفته‌شده» برای ایران به‌طور رسمی تأسیس و تقدیس شد و «محمود هومن» به‌عنوان اولین فرمانروا با اختیار شورای عالی ایران برای مدت پنج سال با رأی اعضای شورای عالی ایران برگزیده شد و به‌وسیله سه هیئت

اروپایی در سمت خود مستقر گردید (روحانی، ۱۹۸۴: ۵۲). در این دوره (۱۳۴۹ ش)، شورای عالی ماسونی، چندین لژ وابسته به لژ بزرگ ایران و ده‌ها محفل مربوط به این تشکیلات در ایران دایر گردید (فقیه حقانی، ۱۳۷۷: ۴۹). با عنایت به متون و منابع مذکور، می‌توان گفت که نظام تشکیلاتی و ساختار مراکز وابسته به فراماسونری در دو دهه سی و چهل، به سمت هویت‌یابی و استقلال پیش رفت و در سایه جهت‌گیری‌های درباری از پوسته مخفی خارج و رنگ علنی به خود گرفت.

رویکرد عمومی جامعه در برابر ماسون‌ها

جامعه ایرانی در دوره پهلوی دوم متشکل از لایه‌ها و طبقاتی بود که هر کدام دارای خاستگاه و پایگاهی مشخص بودند. گزارش ساواک از ملاقات یکی از اعضای فراماسونری با امام‌جمعه تهران و اظهارات سید حسن امامی امام‌جمعه تهران درباره تشکیلات فراماسونری محل توجه و تأمل جدی است، چراکه نوع تقابل جامعه مذهبی ایران با تشکیلات ماسونی، در دهه سی و چهل برخلاف آنچه تصور می‌شود چندان عمیق نیست. دکتر عباس ریاضی کرمانی که با امام‌جمعه تهران در خصوص فراماسونری ملاقات کرده می‌گفت:

«امام‌جمعه گفته است فراماسونری سازمان خطرناکی نیست و ما کوشش می‌کنیم تشکیلات آن را علنی کنیم و فعالیت آن را توسعه دهیم. امام‌جمعه گفته است چون فراماسونری به مذهب و ملیت افراد کاری ندارد هر کس با هر مذهب و هر ملیت می‌تواند در صورتی که واجد شرایط مخصوصی باشد در این سازمان عضویت پیدا کند مانند سازمان تسلیح اخلاقی و «سازمان لاینز» و کلوب روتاری که تاکنون به صورت علنی فعالیت می‌کرده‌اند. امام‌جمعه گفته است سازمان سیا یک سازمان جاسوسی به نفع آمریکا می‌باشد در حالی که فراماسونری متعلق به کشور بخصوصی نیست» (مپس، ش، ۲۱۷۹).

از جمله دیگر گروه‌هایی که نسبت به تشکیلات فراماسونری مواضع گاه متناقضی داشتند، کانون نویسندگان، روشنفکران، روزنامه‌نگاران ایران در دهه‌های سی و چهل بودند. سعید نفیسی از جمله کسانی است که معتقد به روابط طولی قدرت بریتانیا در جهان سوم و ماهیت وابستگی لژهای فراماسونری به انگلستان است. او که در این دوره می‌زیسته در کتاب «نیمه راه بهشت» می‌نویسد:

«دستگاه جاسوسی انگلیس همواره با فراماسون‌های فرانسوی و انگلیسی رابطه عجیب داشته و با زبردستی خاصی فراماسون‌ها را در هر جای ایران به نفع خود به کار انداخته است و آنها را کورکورانه به اطاعت و فرمان‌برداری محض درآورده است. فراماسون‌ها همیشه در همه جای جهان در پی مردم متوسط، اندک‌همت، کوتاه‌نظر، و ظاهرپرست گشته‌اند» (نفیسی، ۱۳۳۲: ۵۲-۳۹).

میمندی‌نژاد در کتاب «حوادث» درباره فراماسون‌های ایران چنین می‌گوید: «هیئت‌های حاکمه مزدوران سرسپرده فراماسون‌های مسلوب‌الاختیار و بی‌سواد اکثریت مردم ایران، اساس و پایه نفوذ انگلستان در ایران می‌باشد (میمندی‌نژاد، ۱۳۳۳: ۶۷). صادق بهداد مدیر روزنامه جهان بیش از همه روزنامه‌نگاران از فراماسون‌ها انتقاد می‌کند. او صدها تیترا علیه فراماسونی منتشر کرد، از جمله در مطلبی انتقادی تحت عنوان «داوری ضد کمونیسم» می‌نویسد:

«در ایران خطر نفوذ بیشتر حزب کمونیست روزه‌روز زیادتر می‌شود. چون هنوز در مدت این بیست سال، ناسیونالیست‌ها دولتی تشکیل نداده‌اند، حکومت‌هایی هم که فراماسون‌ها و تحصیل‌کرده‌های مکتب سیاسی انگلیسی و یا سوسیالیست‌های متعصب تشکیل می‌دهند در برابر کمونیسم قدرتی ندارند و نمی‌تواند جلو آن را بگیرد» (بهداد، ۱۳۴۱: شماره ۱۰۸۶).

دکتر عبدالرسول عظیمی در مقاله «از انحلال دانشسرای عالی تا انحلال دانشگاه» درباره اداره دانشسرای عالی به‌وسیله فراماسون‌ها می‌نویسد و معتقد است که ایادی انگلیس و ماسون‌ها در تعطیلی این مراکز آموزشی نقش مستقیم داشته‌اند و به‌زعم او آقای «درخشش» وزیر فرهنگ خواسته یا ناخواسته مجری سیاست‌های فراماسونی است (عظیمی، ۱۳۴۰: شماره ۳۴۳).

روزنامه آژنگ به مناسبت ورود «هولمز» سفیر آمریکا به تهران و اشغال پست سفارت آمریکا می‌نویسد: «دولت آمریکا باید بداند که ایران دو‌یست سال است که زیر پنجه سیاست انگلیسی قرار گرفته و هرچه سیاستمدار و رجال و دیپلمات و وکیل و سناتور داشته و داریم، غالباً در یکی از مکتب‌های وابسته به سیاست انگلیس تعلیم گرفته‌اند و اصلاً ما هنوز کسی را نمی‌شناسیم که به‌جایی رشیده باشد و این‌چنین مکتب‌هایی را ندیده باشد» (آژنگ، ۱۳۴۰: شماره ۹۶).

روزنامه «ایران ما» نیز در برخی شماره‌ها به تفصیل به مسئله فراماسونری، ماسون‌های ایرانی، دست‌های پشت پرده و تشکیلات آنها پرداخت. جهانگیر تفضلی در این مقالات سعی داشت با دیدی انتقادی زوایای افکار و افعال ماسون‌ها را کالبدشکافی کند (تفضلی، ۱۳۳۵: ۴۵۴).

رضا آشتیانی زاده نماینده ورامین در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی و دیپلمات خانه‌نشین همیشه از سیاست‌های حاکمیت در قبال تشکیلات ماسونی انتقاد می‌کرد. او در جلسه ۱۹۳ روز ۲۸ مهر ۱۳۳۰ شمسی درباره مسئله نفت و نقش فراماسون‌ها چنین گفت: «روزی که آقای دکتر مصدق با فراماسون‌ها آشتی کردند، من از ساده‌دلی و حُسن نیت دکتر مصدق تعجب کردم و تذکر دادم که بیعت با فراماسون‌ها اتحاد آب و آتش است و بالاخره یکی از این دو دیگری را از میان خواهد برد. دکتر مصدق تمام تلاش‌های خودش را متوجه نفت کرده و از روی تخت‌خواب و گوشه اتاقش در تهران تکان نمی‌خورد و به کارهای دیگر مداخله نمی‌کرد، شاید بدون اینکه خودش متوجه باشد، یکایک فراماسون‌های نشاندار را وزرای او در تمام مقامات حساس مملکت قرار دادند و با نقشه ماهرانه، اول بر ضد خود دولت و بعد بر ضد کلیه کسانی که سر بر آستان لژ گراند اوریان نسپرده‌اند مشغول فعالیت شدند» (لوح مشروح، ۱۳۳۰: جلسه ۱۹۳).

نفوذ تشکیلات ماسونی مخصوصاً لژ انگلستان در میان ایلات و عشایر نیز قابل تأمل است. ساواک در گزارشی با موضوع «فعالیت مخالفین دولت» مورخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۴۱ می‌نویسد: «اکثر رجال فارس و سران عشایر این منطقه غالباً فراماسون و تابع لژ بزرگ لندن هستند و طبعاً تابع نظر دستورات آقای علاء خواهند بود و قرار است آقای علاء مدت شش روز به‌عنوان بازدید تخت‌جمشید در آنجا اقامت نموده، جلساتی با حضور دوستان خود تشکیل داده و سپس به کازرون و بوشهر و لارستان عزیمت نموده و به این طریق مقدمات شورش عشایر را علیه دولت فراهم نمایند» (مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری، تارنمای ۱۵ خرداد ۱۴۰۱: ۴۲).

تقابل و تنش

شاید بتوان به‌صراحت گفت که نوعی تقابل و کشمکش بین لژهای قدرت‌های اروپایی در ایران وجود داشت. اولین ترمز علنی و جهانی از حاکمیت لژهای انگلیسی و فرانسوی را آلمان‌ها انجام

دادند، دامنه مخالفت‌ها و مبارزاتی که لژنشینان انگلیسی و فرانسوی علیه متمردين در پيش گرفتند، به ايران نيز كشيده شد تا جايي كه چهل نفر از اعضاي لژ «ستاره سحر» به طور پنهاني با لژهاي انگليسي و فرانسوي سازش كرده و با كمك كارگردانان اين لژها موفق شدند بار ديگر به «لژهاي متحده آلمان» ملحق گردند و زير نظر آنان فعاليت خود را ادامه دهند (رائين، ۱۳۵۷: ۳/۵۰۷).

لژهاي آمريكايي نيز عضويت قانوني اعضاي خود را مشروط به فقدان هر نوع ارتباطي از جانب اعضا با ديگر لژهاي مستقر در ايران كرده بودند. كشمكش‌ها فقط محدود به ساختارهاي كلان و لژها نبودند. در داخل ايران نيز هميشه نوعي تنش و تقابل بر فعاليت و اقدامات اين تشكيلات حاكم بود. مخالفت جامعه در برابر اين فعاليت‌ها گهگاهي صورت عملي به‌خود مي‌گرفت و در نطق‌ها و تيرهاي جرايد منتشر مي‌گرديد. ماسون‌هاي دولتي در اين دوره به‌راحتي در جرايد و نشريات به تبليغ فراماسونري و آراي آن مي‌پرداختند، و از اين مواضع آشكار نيز ابائي نداشتند؛ تقی‌زاده در شماره ۱۰ مجله یادگار با تیتري نسبتاً مفصل به نقش تشکیلات ماسونی و اهمیت آن در جامعه پرداخته و تنها راه نجات مملکت را تشکیل جمعیت فراماسون در ایران می‌داند. او در تبیین شکل‌گیری این اجتماع تا حدودی به مخالفان آن نیز می‌تازد (تقی‌زاده، ۱۳۲۵: شماره ۱۰).

فضاي عمومي کشور متأثر از فعاليت تشكيلات متعدد فراماسونري گاه به تشنج و تنش نيز كشيده مي‌شد؛ و حتي اين تقابل و كشمكش‌ها از صفحات روزنامه‌ها و جرائد فراتر رفته و به صحنه مجلس شوراي ملي مي‌رسيد؛ چنان‌كه در سال ۱۳۲۷ ش.، كه از طرف عباس اسكندري شديدترين حملات عليه فراماسون‌ها در مجلس شوراي ملي صورت گرفت، وي در استيضاح روز سي‌ام دي ماه و در جلسه ۱۳۵ شوراي ملي هنگامي كه درباره نفوذ استعماري بریتانیای کبیر به‌وسیله فرقه فراماسون در ايران بحث مي‌کند، نام عده‌اي از فراماسون‌هاي ايراني از جمله: حکيم‌الملک، تقی‌زاده و نجم‌الملک را می‌برد و به آنها می‌تازد (اسكندري، ۱۳۳۱: ۳۵۵).

تقی‌زاده در جلسه هفتم بهمن ماه ۱۳۲۷ می‌گوید: «حالا فقط نسبت به آنچه راجع خودم است جواب مختصري می‌دهم و با حرف‌هاي ديگر ايشان كه قسمت اعظم آن پاك افسانه بود و بس، مانند داستان موهوم فراماسون و حمله به اشخاص صالح درجه اول اين مملكت كه از ابرار و اخيار مملكت هستند، يا قصه‌هاي جن و پري ديگر كاري ندارم (لوح مشروح، ۱۳۲۷: جلسه ۳).

نقش فراماسونرها در مناسبات قدرت

در دوره پهلوی دوم اصرار ماسون‌ها بر عدم نشر هر خبر و اثری درباره تشکیلات ماسونی باعث شده بود که آنان با چاپ آثاری از سوی خود ماسون‌ها نیز، که با هدف دفاع از این جمعیت تألیف می‌شد، مخالفت نمایند؛ برای نمونه می‌توان به کتاب «فراماسونری چیست؟» اثر «ابراهیم الفت» اشاره کرد که به دستور شریف‌امامی جمع‌آوری شد و فقط در اختیار ماسون‌ها قرار گرفت (فقیه حقانی، ۱۳۸۶: ۱۲).

در سال ۱۳۲۸ ش.، مقدمات تشکیل لژی به نام «پهلوی» به وسیله «محمدخلیل جواهری» در ایران فراهم شد. این قضیه مقارن با نهضت ملی‌شدن صنعت نفت و بروز اختلاف بین ایران و انگلستان بر سر این موضوع بود. دخالت‌های گسترده لژ پهلوی در دعوی مزبور به نفع انگلستان به اثبات می‌رساند که لژ پهلوی اساساً برای مبارزه با نهضت ملی‌شدن نفت ایران به وجود آمده بود. جواهری با کمک میجر جاکسن (وابسته اقتصادی سفارت انگلیس) توانست عده‌ای از افراد مورد نظر سفارت انگلیس را وارد لژ پهلوی کند (رائین، ۱۳۵۷، ۳/۱۳۸). وی در تأسیس لژ از مساعدت‌های حسین علاء و محمد ساعد، ارنست پرون و شخص شاه نیز برخوردار بود و تمامی امور لژ را با مشاوره شاه انجام می‌داد (متما، ۱۳۳۳: ش ۱۰۷۰).

اعتراف صریح جواهری به مبارزه علیه دولت دکتر مصدق و حل‌وفصل کارهای مهم در جلسه‌های لژ، بیانگر دخالت‌های پنهانی لژ مزبور در جریان‌های اجتماعی و سیاسی آن مقطع می‌باشد (رائین، ۱۳۵۷: ۳/۲۷).

دخالت لژهای فراماسونری در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پس از سقوط دولت دکتر مصدق نیز همچنان تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرد. از جمله دخالت‌های مشخص این جریان‌ها در اتفاقات مجلس بیستم شورای ملی صورت گرفت و بر اثر مخالفت ماسون‌ها با دکتر اقبال، که از فرمانبرداری کامل از دستورهای لژهای انگلیسی و مشخصاً لژ روشنایی و لژ تهران خودداری کرده بود، روی داد. در دومین سال نخست‌وزیری اقبال، مسئولان لژ تهران به او پیام دادند تا تعدادی از افراد مورد نظر این لژ در مناصب مهم و حساس به کار گمارده شوند؛ اما آنها با جواب سرد و تند اقبال مواجه شدند. این واکنش سرد اقبال منجر به ایجاد مزاحمت‌هایی جدی از سوی

عوامل فراماسون گردید، تا حدی که اقبال مجبور شد که برای ادامه کار عقب‌نشینی کند و حتی در مقام ضعف برای لژهای روشنایی و تهران پیام دوستی دهد که با پیام صریح مخالفت آنها روبه‌رو شد. فعالیت‌ها و اقدامات این لژها علیه اقبال آن‌قدر بالا گرفت که جهت سنگ‌اندازی و اختلال در کارهای نخست‌وزیر، مرکزی با عنوان «سازمان نظارت بر آزادی انتخابات» با همکاری حزب زحمتکشان به رهبری «مظفر بقائی» تأسیس گردید و در این مدت کلیه مخارج چاپ، انتشارات دکتر بقائی، مخارج محل و خرید لوازم به‌وسیله حسین شقایق (ماسون فعال) پرداخت می‌شد، و برای اینکه کمک‌های نقدی و خانه مکتوم بماند، قبوض مختلف بین دوستان و اطرافیان بقایی پخش شد و به نام آنها وجوه قبوض نوشته می‌شد (مپس، ش ۱۴-۴۱۷۰۲۰).

اختلافات و درگیری‌های فوق با شکست دکتر اقبال و انحلال مجلس بیستم خاتمه یافت. موسی حقانی پژوهشگر حوزه فراماسونری معتقد است که تغییر در سیاست‌های انگلستان و اقدام در جهت برقراری موازنه قوا با آمریکائیان، آنها را واداشت تا با اهرم لژیونی بر دولت اقبال فشار بیاورند و زمانی که این اقدامات ثمری نداشت پای نخست‌وزیر را خالی کردند (نجفی و حقانی، ۱۳۸۸: ۶۱۱-۶۰۵).

شاید آخرین تحول مهم در تاریخ فراماسونری ایران را کنفرانس بین‌المللی ۱۹۷۹ م. دانست که قرار بود در تهران برگزار شود؛ به‌همین دلیل شریف‌امامی که تا تاریخ ۱۳۵۶ ش، تقاضای ورود به کارگاه‌های عالی را نکرده بود، با اطلاع از اینکه به‌عنوان استاد اعظم باید بتواند در جلسات رسمی شرکت کند، تقاضای عضویت درجات عالی را نمود. قاعدتاً در چنین شرایطی شورای عالی ایران می‌توانست از اختیارات خود استفاده کند و در یک جلسه به‌طور خلاصه طی مراسمی به استاد اعظم درجه ۳۳ بدهد. پس از بحث در شورای عالی ایران، موافقت شد که شریف‌امامی به‌علت مشغله زیاد از سیر در همه درجات که طولانی است، معاف شود. اما روزی که قرار بود کنفرانس اروپایی در تهران برگزار شود، شریف‌امامی رئیس دولت بود و شهر تهران در آتش می‌سوخت. روز بعد دولت شریف‌امامی سقوط کرد. تعداد کمی از مدعوین اروپایی و دو سه نفر از کشور آمریکا برای شرکت در کنفرانس تهران، وارد شهری شدند که در آن حکومت نظامی برقرار بود و رفت و آمد در آن به‌خصوص برای مسافران خارجی بسیار دشوار بود. به‌هرحال کنفرانس به کوتاهی و فشرده

برگزار شد و همه میهمانی‌های رسمی که پیش‌بینی شده بودند، ابطال شدند و مسافرت‌های میهمانان به شهرهای اصفهان و شیراز نیز انجام نگرفت. تعداد اندک میهمانانی که به ایران آمده بودند، طی یکی دو روز موفق شدند به کشورهای خود مراجعت کنند (روحانی، ۱۹۸۴: ۵۵).

نتیجه‌گیری

تشکیلات فراماسونری در دوره سی و هفت ساله‌ی پهلوی دوم، متأثر از فضای سیاسی، روابط قدرت، شرایط جهانی و کنش‌های ذاتی خود؛ به‌سوی هویت‌یابی، انعطاف و تمرکزگرایی حرکت کرد و در سایه‌ی تقابل‌های کلان جهانی به جست‌وجوی پایگاه‌های جدید در ایران پرداخت. نگرش ارباب و اولیای قدرت به فراماسونری‌های دهه سی و چهل، همیشه تابعی بود از ماهیت کنش‌ها و نوع قدرتی که به جامعه تزریق می‌کردند و این رویکرد ماریپیچی دائم در حال نوسان بود؛ چراکه لژها به‌مثابه کانون‌های وابسته، مجری ایده‌ها و فرامین دنیای غرب بودند. بدین ترتیب اواخر دهه سی را می‌توان دوره هجوم خرده‌لژهای وابسته به ایران نامید که در دهه چهل تحت سیاست بومی‌گزینی، به تکثیر و رشد انبوه رسیدند و یارگیری آنها با نظم و ارگان مشخصی انجام گرفت. رقابت‌های طولی (مادر لژهای جهانی) تحت تأثیر کشمکش‌ها و سیاست‌های ضعیف دربار ایران، منجر به‌نوعی تقابل و طغیان در میان نخبگان، روحانیون و جامعه روشنفکری در برابر تشکیلات فراماسونری در ایران گردید که با ظهور انقلاب اسلامی به سایر گفتمان‌ها و جریان‌های مخالف حکومت پهلوی پیوست.

کتابنامه

الف) اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ش ۱۳۲۷۰.
مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، لوح مشروح مذاکرات ۲۴ دوره مجلس شورای ملی، مشروح مذاکرات دوره‌های ۱ تا ۷ مجلس شورای اسلامی، تهران، انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.

- مرکز بررسی اسناد تاریخی، ش بازیابی ۷۶۰۷ / ۳ ه. ش؛ بازیابی ۱۳۹/۳۱۲.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (مپس): ش. بازیابی ۱۷-۲۲۴۱۷؛ ۴۸-۴۱۷۰۴۱/۲۱؛ ۲۱۷۹؛ ۴۱۷۰۱۴/۶۶.
- مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما): ش بازیابی سند ۱۰۷۰.

ب) کتاب

- اسکندری، عباس، نفت و بحرین در خدمت مجلس پانزدهم، تهران: عباس اقبالی، ۱۳۳۱.
- جمعی از محققین مرکز اسناد انقلاب اسلامی، فراماسونرها، روتاین‌ها و لاینزهای ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
- حائری، عبدالهادی، تاریخ جنبش‌ها و تکاپوهای فراماسونری در کشورهای اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- حقیقت، محمدناصر، نقش فراماسونری در ظهور و تحکیم رژیم پهلوی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۳.
- رائین، اسماعیل، فراموش‌خانه و فراماسونری در ایران، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- روحانی، علاءالدین، گوشه‌هایی از تاریخ فراماسونری در ایران، نیویورک، ۱۹۸۴.
- شاه‌آبادی، حمیدرضا، تاریخ آغازین فراماسونری در ایران بر اساس اسناد منتشرنشده، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
- صادقی‌نیا، ابراهیم، فراماسونری و جمعیت‌های سری در ایران، تهران: هیرمند، ۱۳۷۷.
- عاقلی، باقر، ذکاءالملک فروغی و شهریور ۱۳۲۰، تهران: نشرعلمی، ۱۳۶۷.
- فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱.
- میمندی‌نژاد، محمدحسین، حوادث، تهران: بی‌جا، ۱۳۳۳.
- نجات، امیر، سازمان‌های سری و فراماسونری، آمریکا، شرکت کتاب، ۱۳۸۹.

نجفی، موسی؛ فقیه حقانی، موسی، **تاریخ تحولات سیاسی ایران**، ج ۶، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۸.

نفیسی، سعید، **نیمه راه بهشت**، تهران: ماهریس، ۱۳۳۲.

ج) نشریات

آژنگ، «سفر هولمز به ایران»، روزنامه آژنگ، ش ۹۶، ۲۳ خردادماه ۱۳۴۰.

الماسی، مصطفی، «بررسی نقش فراماسونری در عصر قاجار و پهلوی اول در عرصه بین‌الملل از منظر حقوقی و سیاسی»، **فقه، حقوق و علوم جزا**، ش ۲۳، بهار ۱۴۰۱.

بهداد، صادق، «داروی ضد کمونیسم»، روزنامه جهان، ش ۱۰۸۶، ۵ آذر ۱۳۴۱.

بی‌نام، «فراماسونری و تشکیلات آن در سال ۱۳۴۸ ش»، **فصلنامه ۱۵ خرداد**، س پنجم، ش ۲۲، خرداد ۱۳۷۷.

تفضلی، جهانگیر، «جفا ببینیم و منت داشته باشیم» **ایران ما**، ش ۴۵۴، ۴ خرداد ۱۳۳۵.

تقی‌زاده، حسن، «اهمیت ماسون در جامعه»، **یادگار**، ش ۱۰، س ۵، بهمن ۱۳۲۵.

جواهری، محمد خلیل، «گواهی ترحیم»، روزنامه **اطلاعات**، ش ۹۴۴۸، پنجم آبان‌ماه ۱۳۳۶.

دهقان، «خبر ورود حنا بوراشد به تهران»، **جریده تهران مصور**، ش ۳۹۵، ۱۱ اسفند ۱۳۲۹.

شیخانی، محمداسماعیل، «بازی شاه با مهره‌های شطرنج فراماسونری»، **تارنمای مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی**، ۱۴ فروردین ۱۴۰۰.

ظهیرالدوله، «انجمن‌های صوفیه»، **مجله یغما**، س ۱۳، شماره ۷۵، ۱۳۳۹.

عظیمی، عبدالرسول، «از انحلال دانشسرای عالی تا انحلال دانشگاه» **نشریه پیغام امروز**، ش ۳۴۳، ۲۵ دی‌ماه ۱۳۴۰.

فقیه حقانی، موسی، «توجه به ضرورت نقش پنهان فراماسونری در تحولات تاریخ معاصر ایران»، **مجله تاریخ معاصر ایران**، س ۱، ش ۲، تابستان ۷۶.

چشم‌انداز تاریخی تشکیلات فراماسونری در دوره پهلوی دوم..... ۲۶۷

فقیه حقانی، موسی، «دست‌های پنهان فراماسونری در تاریخ ایران تاریخ ایران»، روزنامه کیهان، ش ۱۸۸۲۰، شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۸۶.

فقیه حقانی، موسی، «کتاب و کتاب‌شناسی آشفته‌نویسی در تاریخ‌نگاری فراماسونری ایران»، تاریخ معاصر ایران، س ۲، ش ۸، زمستان ۷۷.

مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری، «سیاست مستقل ملی، افسانه یا واقعیت؟»
تارنمای ۱۵ خرداد ۴۲: ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۱.

هیئت تحریریه، «اسامی نمایندگان حزب رستاخیر»، روزنامه آیندگان، ش ۸، اسفند ۱۳۵۴.

سری
ملقه بندی حفاظتی
مقران خیر

خفای فوری

درجه فوریت

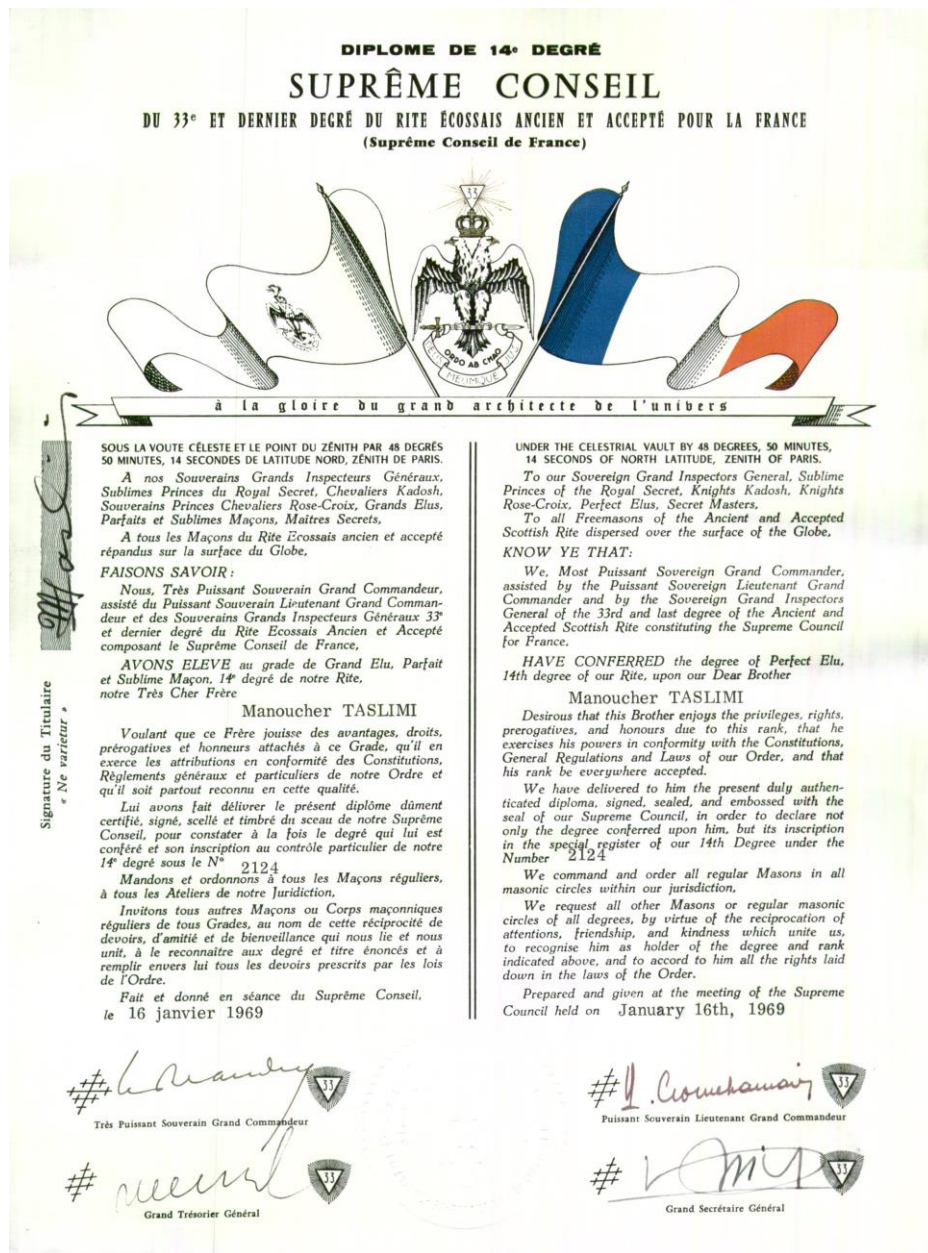
۷- منبع ۳۱۰	ساخته یکس از
۸- منشأ دکتر صدر	تعداد شماره یک
۹- تاریخ وقوع ۴۸/۲/۱۳	۱- به عرض می‌رسد
۱۰- تاریخ رسیدن خبر به منبع ۴۸/۳/۲۳	۲- از ۳۱۲
۱۱- تاریخ رسیدن خبر بر هر عملیات محل ۲/۲/۴۳	۳- شماره گزارش ۲۱۳/۱۳۹
۱۲- ملاحظات حفاظتی	۴- تاریخ گزارش ۴۸/۲/۱۴
	۵- پیوست
	۶- گیرندگان خبر ۲۲۱

موضوع: تشکیلات فراماسونری در ایران

روز ۴۸/۲/۱۳ دکتر منوچهر اقبال رئیس هیئت مدیره وند برعالم شرکت ملی نفت دکتر صدر بنا برنده مجلس شورای ملی و عضو حزب بان ایرانیت را ا حضار و اظهار داشته در مسافرتی که به همراه آقای نخست وزیر اروپا میرفته آقای نخست وزیر گفته است حزب بان ایرانیت در اروپا نشریه مخصوصی علیه فراماسونری های ایران منتشر و نسبت با آنها فعالیت کرده است در حالیکه فعالیت فراماسونری در ایران با اجازه شاهنشاه آریا مبر صورت میگیرد و اینکه رئیس در کتاب خود نامی از من (دکتر اقبال) نبرده ولی من صریحاً میگویم ۱۷ سال است فراماسونرم و در زمان نخست وزیر نیز فراماسون بودم و هیچ ابائی ندارم از اینکه صریحاً این مطلب را بیان دارم . دکتر اقبال افزود ه نه تنها من بلکه شریف امامی رئیس مجلس سنا - عبدالله ریاضی رئیس مجلس شورای ملی و بسیاری دیگر از مقامات ملکتی عضو سازمان فراماسونری میباشیم و عضویت ما در این تشکیلات با اجساز شاهنشاه آریا مبر صورت میگیرد که دکتر صدر در پاسخ اظهار داشته حزب بان ایرانیت بر مبنای ایدئولوژی خود با فراماسونری که جنبه انترناسیونالیستی دارد مخالف است ولی معصود لازم است با اطلاع شما برساند که انتشار این نشریه علیه فراماسونرها در اروپا بدو منسوب نظر همبران حزب در ایران صورت گرفته است .

۴۱۷۰۱۳
۴
۲۲۱
بایگ انجمن
۱۵
۴۸
۱۵
۴۸
۴۱۷۰۱۳

سند شماره (۲): اذعان دکتر منوچهر اقبال به عضویت خود و آقایان شریف امامی (رئیس مجلس سنا) و عبدالله ریاضی (رئیس مجلس شورای ملی) در تشکیلات فراماسونری (۱۳/۰۲/۱۳۴۸) (historydocuments.ir، مورخ ۱۴۰۱: ۲۳ خرداد).



سند شماره (۳): اعطای درجه دیپلم عالی از جانب شورای عالی فرانسه (درجه ۳۳، دیپلم ۱۴) به منوچهر تسلیمی در شانزدهم ژانویه ۱۹۶۹ م (ساکما، ش ۰۱۳۲۷۰).



سوری

طبقه بندی حفاظتی

درجه فوریت

گزارش خبر		نسخه شماره
۷ - منبع	از	۱ - ۳۳۴۰
۸ - منشا	از	۲ - ۳۳۳۰
۹ - تاریخ وقوع	شماره گزارش	۳ - ۷۰۷/۷۰۷
۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع	تاریخ گزارش	۴ - ۲۸/۳/۹۹
۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبنای عملیات	پیوست	۵ -
محل	گیرندگان خبر	۶ -
۱۲ - ملاحظات حفاظتی		

موضوع فراماسونری

عطف
بورد

شاهت و کرب من از صحبت از دست خارج از کشور در مورد فراماسونری
بر آن می‌نویسد شرف که می‌فرموده اند وضع در چه حال است این بود که
و گردن گفت که می‌توانند هر مسکنند پول می‌کنند و شرف از
زین راه من می‌دهم. می‌تواند
نظر به شرف - با توجه به اینکه در آن کشور می‌توانند در آن راه
پول فراماسونری می‌تواند در آن وقت که کرب من خارج از کشور
بزرگ است در مورد فراماسونری با مصلحت به مکرر زد که شرف که کرب من
دهد این اصل و امر فوق را به آن می‌شرف (که می‌تواند فرموده اند)
و نظر به شرف - گزارش ملک می‌فرموده شرف -
۲ - هرگز در تمام مصلحت با شرف می‌تواند شرف خواهد شد
۴۱۷۰۴۸
بگفتند
تاریخ ۲۸/۳/۹۹
۲۱۷۰۴۸
۶۶-۱۳۱

سند شماره (۴): حمایت شاه از ساخت لژ فراماسونری در ایران ۱۳۴۹/۰۴/۲۸ ش (مپس، ش
historydocuments.ir؛ ۱۲۱/۴۱۷۰۴۸؛ مورخ ۱۳۹۸: ۲۱ بهمن).

اعضای هیئت دولت وابسته به تشکیلات فراماسونری ایران

۱- آقای امیرحسین هودانگست وزیر :

الف - روز ۱۳/۱۲/۴۷ فتح اله فرید در بهرامشهر لژ اعظم ناحیه ایران وابسته بلژیک بزرگ اسکاگند در مورد عزیمت ده ای از ماسونهای خارجی بشیرازونخواه پذیرا نشی آنان تلگرافی جهت مسئولین لژ فراماسونری شیراز مخابره که در پایان اعلام داشته بود کلیه مخارج بعهد برادر هودانگست باشد .

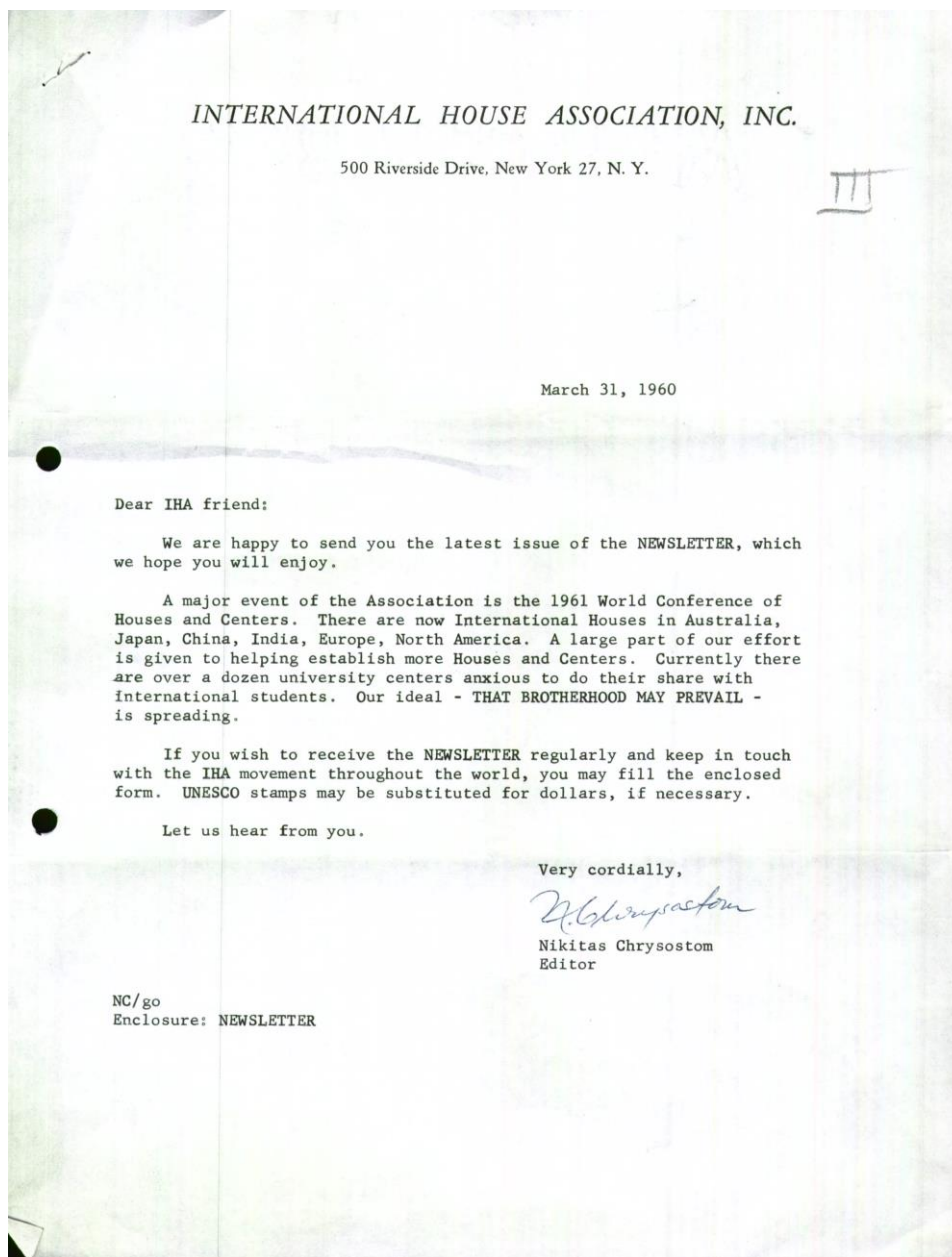
ب - ارست وان هگ استاد اعظم لژ بزرگ ملی فرانسه که مبتکر شرکت در مراسم تأسیس و تشکیل لژ بزرگ ایران در اسفند ماه سال ۴۷ ، پایتخت آمده بود پس از مراجعت بنگر خوشتر ضمن تسلیم گزارش بلژیک ملی فرانسه اعلام نموده :

* پس از انجام تشریفات تقدیم لژ بزرگ ایران ، برادر بسیار محترم روزرو میرتاسیس لژ بزرگ ایران را اعلام و پس از آن برادران بسیار محترم دکتر سعید طالب سعید ساهد مراقه ، عباس هودانگست و دکتر حسن امامی بسمت بزرگ استادان پیشین لژ بزرگ ایران انتخاب شدند .*

پ - برابرا آخرین تحلیلات معموله از طریق منابع مربوط آقای هودانگست فراماسونری کورتر بوده لکن بعلمت درگیری اداری قادر بحضور در جلسات تشکیله نمیشد .

۲- آقای ناصر گانه وزیر مشاور و معاون پارلمانی نخست وزیر :

الف - نامبرده در جلسه تشکیله لژ فراماسونری خپام مورخه ۱۱/۱۰/۶۱ بسمت سرپرست ارجمند ووم لژ مذکور انتخاب شده است .



سند شماره (۶): نامه ارسال بولتن داخلی لژ بین‌المللی به آقای IHA (نام مستعار) در ایران و دعوت از وی جهت همکاری از جانب انجمن خانه بین‌المللی (لژ جهانی) در نیویورک در ۳۱ مارس ۱۹۶۰ (ساکما، ش ۰۱۳۲۷۰).